

# تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق در بین افراد تحصیل کرده‌ی دانشگاهی\*

فریده خلیج آبادی فراهانی\*\*

## چکیده

طلاق یکی از آسیب‌های اجتماعی است که تأثیر نامطلوب بر انسجام و کلیت خانواده و ناامنی اجتماع دارد. شواهد علمی موجود مؤید افزایش دو پدیده‌ی اجتماعی طلاق و معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان است. این مقاله بر اساس نتایج یک مطالعه‌ی ترکیبی با هدف بررسی رابطه بین تجربه‌ی معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و طلاق در سال ۱۳۹۰ تهیه شده است. در فاز اول، ۲۰۳۱ دانشجوی دختر و پسر ۱۸-۴۰ ساله که به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای خوشه‌ای از بین دانشجویان متأهل ۷ دانشگاه شهر تهران انتخاب شده بودند، مطالعه شدند. فاز دوم شامل ۹۲ نفر از افراد ۱۸-۴۰ ساله با تحصیلات دانشگاهی در شرف طلاق در تهران بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌های متاهلین فاز اول با داده‌های فاز دوم مربوط به افراد در شرف طلاق در مرحله‌ی تجزیه و تحلیل با هم ادغام شدند. با توجه به سؤالات مشترک بین دو فاز، ادغام داده‌ها در سؤالات مشترک انجام شد و با توجه به اهداف تحلیل شدند. براساس نتایج به دست آمده تجربه‌ی معاشرت قبل از ازدواج در بین افراد تحصیل کرده‌ی در شرف طلاق به‌طور معنی‌داری بیشتر از افراد تحصیل کرده‌ی همسر دار است. تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که احتمال خام طلاق در کسانی که قبل از ازدواج روابط پیشرفته با همسرشان داشته‌اند،  $\frac{3}{18}$  برابر بیشتر از افرادی است که تجربه‌ی فوق را نداشته‌اند و احتمال خام طلاق در کسانی که روابط پیشرفته با غیر همسر داشته‌اند  $\frac{3}{63}$  برابر بیشتر از افرادی است که چنین تجربه‌ی نداشته‌اند. پس از کنترل سایر عوامل مرتبط با طلاق (مانند تحصیلات، سازگاری با همسر، شناخت قبل از ازدواج، تأیید همسر توسط خانواده و وجود طلاق در خانواده درجه‌ی یک همسر)، همچنان احتمال رخداد طلاق با تجربه‌ی رابطه‌ی پیشرفته با همسر ( $OR=5.03, p<0.01$ ) و با غیر همسر ( $OR=4.27, p<0.01$ ) رابطه‌ی معنی‌دار داشت.

## واژگان کلیدی

خانواده، معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج، روابط قبل از ازدواج، طلاق.

\*- نویسنده‌ی این مقاله از همکاری آقای علی رحیمی (کارشناس گروه جمعیت، بهداشت و تنظیم خانواده) و سایر همکاران مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه و حمایت‌های وزارت ورزش و جوانان و مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه در انجام این تحقیق تشکر و قدردانی می‌نماید. قابل ذکر است که نسخه‌ی اولیه این مقاله در همایش ملی خانواده و امنیت در دانشگاه یزد ارائه گردید.

\*\*- استادیار مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه Faridehfarahani@yahoo.com

## ۱- مقدمه و طرح مسئله

علی رغم اینکه ارتباط‌های دوستی و پیشرفته قبل از ازدواج با جنس مخالف برخلاف هنجارهای سنتی، مذهبی و فرهنگی جامعه‌ی ایران است و از نظر قانونی نیز منع شده، اما بر اساس شواهد موجود، در سال‌های اخیر عده‌ی زیادی از نوجوانان (بین ۲۰ تا ۶۰ درصد گروه سنی ۱۸-۱۴ ساله) با یک یا چند نفر از اعضا جنس مخالف اغلب به طور پنهانی و بدون رضایت خانواده ارتباط عاطفی و گاه ارتباط پیشرفته‌تر برقرار می‌کنند (جعفری ۱۳۸۴؛ میرمولایی ۱۳۸۴؛ خلیج‌آبادی فراهانی ۱۳۸۹؛ Mohammadi 2007&2006;Khalajabadi؛ Farahani 2011&2008).

پژوهشی بر روی ۱۳۸۵ نوجوان ۱۸-۱۵ ساله‌ی تهرانی، نشان داد که ۲۷/۷ درصد پسران نوعی از ارتباطات جنسی با جنس مخالف را گزارش کردند (Mohammadi 2006). همچنین رفتارهای پرخطر جنسی در میان ۳۸۲ نفر از پسران نوجوان با تجربه‌ی تماس جنسی نیز در مطالعه‌ای بررسی شد. بیش از نیمی از افراد با تجربه‌ی جنسی (۵۵ درصد) گفته‌اند که اولین تجربه‌ی جنسی‌شان در ۱۵ سالگی بوده است (Ibid 2007). مطالعه‌ی فوق‌الذکر علائمی از رواج معاشرت‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف بین اقلیت چشمگیری از جوانان تهرانی و همچنین رفتارهای پرخطر جنسی را نشان داد. این مطالعات بیشتر به خطرات بهداشتی رفتارهای جنسی قبل از ازدواج پرداخته‌اند. مطالعات مشابه دیگری نیز درباره‌ی شیوع و تعیین‌کننده‌های

رفتارهای جنسی بر روی گروه‌های مختلف سنی جوانان در تهران انجام شده است؛ برای مثال، میرمولایی و همکارانش نیز در تحقیقی درباره‌ی رفتارهای جنسی و عوامل مرتبط با آن در ۱۱۹۲ نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های دولتی شهر تهران نشان داد حدود ۱۳٪ از دختران نزدیکی جنسی را تجربه کرده‌اند (میرمولایی و همکاران ۱۳۸۴). برخی مطالعات بر روی دانشجویان انجام شده است. جعفری و همکارانش در پژوهشی به بررسی مشکلات جنسی ۱۷۷ نفر از دانشجویان پسر رشته‌های پزشکی و غیرپزشکی (۳۷ درصد پزشکی و ۷۳ درصد غیرپزشکی) پرداختند. این مطالعه نشان داد که ۵۸ درصد افراد بررسی شده، دوست دختر داشته و از بین اینها ۶۸ درصد با دوست دختر خود رابطه‌ی جنسی داشته‌اند. مطالعه فوق‌ترچه بر روی نمونه‌ی کوچک و با قدرت نمایانگری کمتر انجام شده، ولی تا حدود زیادی نشان از شیوع ارتباطات دوستی و جنسی در بین دانشجویان دارد (جعفری و همکاران ۱۳۸۴). سیدان و عباس‌لو به بررسی کیفی علل، نگرش و انگیزش دختران جوان در برقراری رابطه‌ی جنسی و با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساخت یافته‌ی عمیق بر روی ۲۰ دختر بی‌مبالات از نظر جنسی با میانگین سنی ۲۳ سال پرداختند (سیدان و عباس‌لو ۱۳۸۴). مطالعات اشاره شده، میزان شیوع، دلایل و انگیزه‌های معاشرت‌ها را جست‌وجو کرده و کمتر به اثرات اجتماعی و خانوادگی آنها پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، هم‌زمان با روند افزایشی معاشرت‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف، میزان ناکامی و شکست در ازدواج‌ها نیز سیر صعودی یافته است، به طوری که در سال ۱۳۹۰ نسبت ازدواج به طلاق در کشور ۶ به ۱ و در تهران ۳ به ۱ بوده است (سازمان ثبت احوال ۱۳۹۱). این امر نگرانی سیاست‌گذاران فرهنگی و جامعه‌شناسان را برانگیخته و آنها را بر آن داشته تا به بررسی ریشه‌های این معضل بپردازند. در مقایسه با معاشرت‌های قبل از ازدواج، مطالعات بیشتری بر روی طلاق و عوامل مرتبط با آن انجام شده است، ولی به ندرت به عامل «معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج» به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر طلاق پرداخته شده است.

مطالعات زیر در مورد طلاق، تجربیات قبل از ازدواج افراد را در وقوع طلاق بررسی نکرده‌اند. زرگر با مطالعه‌ای بر روی پرونده‌های ۴۲۴ نفر (۲۱۲ زوج) از زوجین متقاضی طلاق (طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴) در یکی از مراکز پیشگیری و کاهش طلاق سازمان بهزیستی استان اصفهان نشان داد که مهم‌ترین علل تقاضای طلاق به ترتیب، مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین است (زرگر ۱۳۸۶). کلدی پیرو مطالعه‌ای بین زوجین متقاضی طلاق که طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹ به مرکز مشاوره‌ی طلاق شهر ساری مراجعه کرده بودند، نشان داد که بین متغیرهای اعتیاد - الکلیسم و خشونت خانگی با تقاضای طلاق رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد (کلدی ۱۳۸۳). قطبی طی مطالعه‌ای نشان داد که

### تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج

فقدان تفاهم اخلاقی (۸۳ درصد)، اعتیاد (۴۲ درصد) و دخالت خانواده‌ها (۳۳ درصد) شایع‌ترین عوامل منجر به طلاق بوده‌اند. مشکلات مالی (۳۰ درصد) و بیماری‌های روانی (۲۴ درصد) نیز از دیگر عوامل طلاق ذکر شده‌اند (قطبی ۱۳۸۳). جلیلیان در مطالعه‌ای نشان داد میزان تفاوت سنی کم و زیاد میان زوجین، برتری تحصیلات در میان زنان از همسرانشان، تفاوت عقاید بالا، میزان شناخت کم نسبت به همسر قبل از ازدواج، پایین بودن میزان تصور از مشکلات پس از طلاق، نظر مثبت خانواده‌ی فرد نسبت به طلاق، وجود طلاق در میان بستگان، نبود تفاوت قومیت میان خانواده‌های زوجین و همچنین برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، در برهم زدن تعادل و عدم برابری هزینه و پاداش مبادله از نظر فرد تأثیر دارد و تمایل به درخواست طلاق و برهم زدن مبادله را در فرد تقویت می‌نماید و هرگاه فرد در مرحله‌ی ارزیابی زندگی زناشویی خویش قرار گیرد و خود را در مبادله متضرر احساس کند و پاداش‌های مورد انتظار خویش را دریافت نکند و هزینه‌های وی در ادامه‌ی زندگی بالا برود، در نهایت به تقاضای طلاق روی می‌آورد (جلیلیان ۱۳۷۵). بهرامی با مطالعه‌ای بر روی ۳۶۴ نفر زن و مرد نشان داد برآورده نشدن انتظارات همسر و تصور مثبت از پیامدهای طلاق با طلاق ارتباط مستقیمی دارند (بهرامی ۱۳۸۶).

تنها مطالعه‌ی ایرانی که نقش تجربیات قبل از ازدواج را بر طلاق جست‌وجو کرده، مطالعه‌ی موسوی (۱۳۸۴) بوده که تأثیر روابط قبل از

ازدواج را بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بررسی کرد. موسوی این مطالعه را روی ۸۰ نفر از دانشجویان انجام و نشان داد که تعارضات زناشویی و کاهش همکاری زوجین در دانشجویانی که قبل از ازدواج رابطه داشته‌اند نسبت به دانشجویانی که رابطه نداشته‌اند کمتر و تفاوت آن معنی‌دار است. بایستی توجه داشت که در مطالعه‌ی موسوی در واقع تأثیر ارتباطات قبل از ازدواج با همسر کنونی فرد در نظر گرفته شده است و نمونه‌ی بررسی شده کوچک است.

همچنین یک باور غالب در بین دختران دانشجو در تهران که تجربیات روابط قبل از ازدواج داشتند، این بود که این‌گونه معاشرت‌ها، ممکن است موجب انتخاب بهتر برای ازدواج، موفقیت و رضایت مندی بیشتر در ازدواج بشود و یا حتی برخی روابط جنسی قبل از ازدواج را موجب رضایت جنسی بیشتر بعد از ازدواج بر شمرند. اگرچه برخی باورها مبنی بر تأثیر منفی این روابط بر ازدواج نیز دیده شد (Khalajabadi farahani 2008)؛ لذا سؤال متبادر به ذهن محقق این بود که در جامعه‌ی ایران تأثیر معاشرت‌های قبل از ازدواج در ازدواج چیست؟ تأثیر این معاشرت‌ها در موفقیت ازدواج و رخداد طلاق چیست؟

برای یافتن ارتباط بین تجربه‌ی معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و احتمال رخداد طلاق، مطالعه‌ای ترکیبی (کمی و کیفی) در جامعه‌ی جوانان تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی در تهران در سال ۱۳۹۰ انجام شد. این مقاله

## تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج

بر اساس نتایج کمی، مطالعه‌ی اصلی است. در مقاله‌ی حاضر، فقط تأثیر معاشرت‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف در احتمال طلاق بررسی شده است. فرضیه‌ی آزمون این است که بین تجربه‌ی معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و افزایش احتمال طلاق، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

تاکنون هیچ مطالعه‌ی جامعی، ارتباط بین رفتارهای قبل از ازدواج با جنس مخالف (همسر و غیر همسر) را با احتمال رخداد طلاق در ایران بررسی نکرده است. از ابعاد روان‌شناسی و اجتماعی چنین رفتارهایی در وقوع طلاق بی‌تأثیر نیستند، در حالی‌که در ایران ماهیت و جزئیات این تأثیرها با یک رویکرد علمی شناخته نشده است. همچنین این مقاله در نظر دارد نشان دهد که داشتن معاشرت با غیر همسر و همسر کنونی قبل از ازدواج چه ارتباطی با احتمال جدایی یا طلاق دارد؟ سن شروع معاشرت قبل از ازدواج چگونه با طلاق ارتباط دارد؟ تعداد معاشرت‌های قبل از ازدواج چگونه با طلاق ارتباط دارد؟ و در نهایت تأثیر دوستی‌ها و معاشرت‌های پیشرفته‌تر با همسر و یا فردی غیر از همسر بر احتمال طلاق چیست؟

## ۲- ملاحظات نظری

در مدل نظری تحقیق از نظریه‌ی خاصی استفاده نشده است، ولی برای توضیح و تبیین تأثیر معاشرت قبل از ازدواج با جنس مخالف در احتمال طلاق - بر اساس ادبیات داخلی و خارجی - مجموعه عوامل دیگر غیر از تجربه‌ی معاشرت و رفتارهای جنسی که در طلاق مؤثرند، در نظر گرفته شده‌اند تا

اثرات آنها در تحلیل‌ها کنترل شود. برخی از این عوامل، با عوامل زمینه‌ای و تجربیات پیش از ازدواج افراد مرتبط است که شامل طلاق والدین، پیشینه‌ی اقتصادی- اجتماعی خانواده، پای‌بندی به مذهب، خصوصیات فردی شامل سن ازدواج، تحصیلات، نگرش‌های فردی و جنسیتی، برخی عادات رفتاری (مصرف الکل و سیگار) و در نهایت دسترسی به رسانه‌هاست. از میان این عوامل، برخی عوامل محیطی (مانند هنجارهای دوستان و خانواده، جامعه و شیوع طلاق در خانواده و جامعه) و برخی عوامل مربوط به ماهیت ازدواج (مدت زندگی زناشویی، تطابق خصوصیات اقتصادی، فرهنگی و مذهبی خود با همسر، تطابق نقش‌ها و تعامل با همسر) می‌باشد.

### ۳- روش تحقیق

این تحقیق یک مطالعه‌ی مقطعی ترکیبی بوده که در بخش کمی داده‌ها در دو فاز جمع‌آوری شدند. در فاز اول، دانشجویان سنین ۱۸ تا ۴۰ ساله اعم از متأهل و مجرد انتخاب شدند که در مقاله‌ی حاضر تمرکز بر روی دانشجویان متأهل است. به علت ناکافی بودن دانشجویانی که از همسر خود جدا شده‌اند، نمونه‌گیری در دو فاز جداگانه انجام شد. نمونه‌گیری فاز اول از بین دانشجویان زن و مرد همه‌ی مقاطع تحصیلی از ۷ دانشگاه منتخب در تهران اعم از دولتی و آزاد بود. در فاز دوم، نمونه‌گیری از افراد در شرف طلاق یا مراجعین به دادگاه‌های خانواده در تهران به منظور درخواست طلاق انجام شد. در این مقاله، وضعیت معاشرت‌های قبل از ازدواج با جنس



مخالف در دانشجویان متأهل با طیف سنی ۱۸ تا ۴۰ سال در فاز اول، با افراد تحصیل کرده‌ی دانشگاهی با همان طیف سنی مراجعه کننده به دادگاه‌های خانواده در تهران جهت درخواست طلاق مقایسه شدند. نمونه‌های تحقیق در هر دو فاز از نظر طیف سنی و تحصیلات مشابه بوده و با توجه به اینکه پرسش‌نامه دو فاز سؤالات مشابه و یکسان داشته و فقط پرسش‌نامه‌ی فاز دوم تعدادی سؤالات اضافی مربوط به طلاق و علل طلاق داشته است؛ لذا در زمان ادغام داده‌ها، متغیر جدیدی جهت مشخص شدن وضعیت زناشویی فرد (همسر دار و در شرف طلاق) ساخته شد که با کدهای مجزا مشخص شد. این متغیر در مورد دانشجویان همسر دار، کد «همسر دار یا متأهل» و در فاز دوم کد «در شرف طلاق» را گرفت و داده‌های سؤالات مشابه فاز دوم به داده‌های فاز اول در SPSS به روش کپی افزوده شد. به این طریق امکان مقایسه‌ی دو گروه فراهم شد.

نمونه‌گیری فاز اول از دانشجویان به روش دو مرحله‌ای طبقه‌ای سهمیه‌ای و خوشه‌ای<sup>۱</sup> انجام شد. ابتدا سهم هر گروه تحصیلی از دانشگاه‌های دولتی و آزاد تعیین و متناسب با این سهم، تعداد نمونه‌ی مورد نظر از گروه و دانشگاه مربوطه مشخص شد. نمونه‌گیری در دو سطح گروه تحصیلی و نوع دانشگاه و به صورت طبقه‌ای خوشه‌ای در نظر گرفته شد. نمونه‌ی پیمایش که از هفت دانشگاه دولتی و آزاد در شهر تهران جمع‌آوری شده‌اند، شامل ۲۰۳۱

---

1- two stage stratified cluster sampling

دانشجوی دختر و پسر اعم از متأهل و مجرد می‌باشد. نمونه‌ی پیمایش در دانشگاه‌های منتخب در قالب ۸۷ خوشه یا کلاس (طیف تعداد نفرات در هر خوشه یا کلاس از ۴ نفر تا ۵۲ نفر متغیر بود) جمع‌آوری شدند. حدود نیمی از شرکت کنندگان، از دانشگاه‌های آزاد (۴۹/۵٪) و بقیه از دانشگاه‌های دولتی وارد مطالعه شده‌اند. با توجه به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای خوشه‌ای تا حدود زیادی می‌توان اطمینان داشت که نمونه‌ی فاز اول پیمایش معرف جامعه‌ی دانشجویان ۱۸ تا ۴۰ ساله‌ی دانشگاه‌های دولتی و آزاد در شهر تهران هستند. معیار ورود به مطالعه، داشتن سن بین ۱۸ تا ۴۰ سال و تحصیل در مقاطع مختلف دانشگاهی در دانشگاه‌های تهران است. نمونه‌ی مورد نظر از بین چهار دانشگاه منتخب دولتی و سه دانشکده دانشگاه آزاد انتخاب شد. دانشگاه‌های دولتی در مرحله‌ی دوم به صورت تصادفی انتخاب شدند. در فاز دوم پیمایش، با توجه به اینکه افراد جدا شده یا طلاق گرفته به تعداد کافی جهت انجام تحلیل در نمونه‌ی دانشجویان وارد مطالعه نشدند، به ناچار تعداد ۹۲ نفر از افراد در شرف طلاق که مشخصه‌های سنی و تحصیلی مشابه با دانشجویان متأهل داشتند و به دو دادگاه خانواده در تهران مراجعه کرده بودند به روش نمونه‌گیری در دسترس و آسان وارد این مطالعه شدند. برای قابل مقایسه بودن نمونه‌ی فاز دوم، زنان و مردانی که بین ۱۸ تا ۴۰ سال سن داشته و تحصیلات دانشگاهی داشتند دعوت به شرکت در مطالعه شدند و در صورت رضایت آگاهانه، پرسش‌نامه‌ای بی‌نام که کاملاً مشابه

پرسشنامه‌ی افراد متأهل بود و فقط تعدادی سؤال اضافی درباره‌ی طلاق و جزئیات آن را نیز دربرداشت - به ایشان تحویل و توضیحات لازم داده شد و پرسش‌نامه توسط آنها تکمیل شد. در موارد اندکی به علت اینکه افراد در شرایط روحی نامساعدی بودند، پرسش‌گر هم‌جنس، سؤالات پرسشنامه را از آنها پرسیده و وارد پرسشنامه کرده است. در فاز اول، تعداد ۲۰۳۱ پرسشنامه تکمیل شد که ۲۶۵ نفر (۱۲٪) از آنها متأهل بوده و در این بررسی انتخاب شدند. در فاز دوم، افراد در شرف طلاق ۹۲ پرسشنامه را تکمیل کردند. با توجه به اینکه مشخصه‌های اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی افراد در پرسشنامه‌ها پرسیده شده بود، در تحلیل‌ها سعی شد با در دست داشتن این اطلاعات در مورد هر فرد و کنترل نقش کلیه‌ی عوامل دخیل در طلاق، غیر از معاشرت با جنس مخالف، تأثیر این معاشرت‌ها در احتمال طلاق سنجیده شود.

معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج در این مطالعه به معنی رابطه‌ی عاطفی با قصد یا بدون قصد ازدواج است که روابط اجتماعی با جنس مخالف را شامل نمی‌شود. معاشرت یا رابطه‌ی پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج به معنی هر گونه تماس فیزیکی نزدیک یا جنسی با دوست یا فردی از جنس مخالف که قبل از هر گونه پیوند نکاحی و ازدواج رخ داده باشد. در این مطالعه افراد در شرف طلاق به افرادی اطلاق می‌شود که به جهت درخواست طلاق به دادگاه‌های خانواده مراجعه کرده‌اند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در پیمایش پرسشنامه‌ی بدون نام و خود ایفایی<sup>۱</sup> حاوی ۷ بخش بود. بخش اول تا ششم را همه‌ی افراد و بخش هفتم را فقط متأهلین تکمیل کردند. پرسشنامه دیگری مشابه با پرسشنامه‌ی اولیه‌ی پیمایش، برای افراد در شرف طلاق مراجعه کننده به دادگاه‌های خانواده تهیه شد. بخش اول شامل ۱۱ سؤال دموگرافیک، بخش دوم شامل ۱۹ سؤال در خصوص مشخصات خانوادگی، بخش سوم شامل ۸ سؤال درباره‌ی دسترسی به رسانه‌ها و برخی عادات رفتاری، بخش چهارم شامل ۱۵ سؤال مربوط به رفتارهای دوستان و همسالان در خصوص معاشرت با جنس مخالف و هنجارهای آنها بوده و بخش پنجم شامل ۱۹ سؤال نگرشی در خصوص معاشرت با جنس مخالف و تأثیر آن در سن ازدواج، رضایت زناشویی و طلاق و بخش ششم شامل ۷ سؤال در خصوص قصد و رفتار افراد در زمان مطالعه است. بخش رفتار پرسشنامه حاوی سؤالاتی درباره‌ی تجربه داشتن رابطه‌ی دوستی قبل از ازدواج، تعداد افرادی از جنس مخالف که با آنها رابطه‌ی دوستی داشته‌اند و تجربه‌ی روابط پیشرفته‌ی قبل از ازدواج است. بخش هفتم مخصوص متأهلین بود که حاوی ۳۳ سؤال درباره‌ی ازدواج و خصوصیات همسر بوده که در خود گویه‌های منتخب از پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ<sup>۲</sup> را شامل می‌شد. پرسشنامه‌ی افراد در شرف طلاق دقیقاً شبیه

1- Self-administered

2- Enrich

پرسشنامه‌ی پیمایش دانشجویان متأهل بود که به جای بخش مربوط به متأهلین، سؤالات مشابهی با سؤالات بخش متأهلین را شامل می‌شد. این بخش حاوی اطلاعات دموگرافیک همسر قبلی، سبک همسرگزینی، سن در زمان ازدواج، مدت زندگی زناشویی، تحصیلات خود و همسر در زمان ازدواج و همخوانی اقتصادی، فرهنگی و مذهبی با همسر، تأیید همسر توسط خانواده و شناخت خصوصیات یکدیگر در بدو ازدواج، وجود طلاق در افراد درجه‌ی یک خانواده‌ی همسر و تجربه‌ی رابطه‌ی دوستی و جنسی قبل از ازدواج با افرادی غیر از همسر و با همسر قبلی یا جدا شده و دلیل طلاق بر اساس گفته‌ی فرد به صورت یک سؤال باز بود.

صاحب نظرانی در حوزه‌ی جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پرسشنامه‌ی تهیه شده را مرور کرده و اعتبار محتوایی پرسشنامه را ارزیابی کردند. اعتبار پرسشنامه با جمله‌بندی صحیح و استفاده از پرسشگر آموزش دیده افزایش یافته و تعداد ۱۰ پرسشنامه توسط ۱۰ نفر تکمیل شده و سؤالات مبهم، دو پهلو و یا نامفهوم توسط آنان شناسایی و اصلاح شدند. همچنین مطالعه‌ی کیفی قبل از پیمایش به ارتقاء اعتبار سؤالات پرسشنامه کمک کرد. در این مطالعه، برای اطمینان از روایی پرسشنامه برای داشتن نظرات پاسخ‌گو در موقعیت‌های مختلف از مقیاس یا شاخص استفاده شد که بر اساس آن تعدادی جمله‌ی نگرشی در موقعیت‌های مختلف در پرسشنامه با لیکرت پنج قسمتی مطرح شد و نظر پاسخ‌گو نسبت به گویه‌ها در شرایط

مختلف سنجیده شد که این کار اعتبار پاسخ‌ها را افزایش داد. این امر حتی روایی پرسشنامه را ارتقا بخشید، زیرا ممکن است یک سؤال به علت نحوه‌ی جمله‌بندی نامناسب پاسخ درست را دریافت نکند ولی با داشتن چند جمله این خطا از بین می‌رود. همبستگی درونی سؤالات مقیاس‌های درست شده نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شد. پرسشنامه روی ۶۱ دانشجوی پایلوت گردید و مقیاس‌های نگرشی با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی ساخته شد و سؤالاتی که قدرت تبیین‌کنندگی کمی در یک عامل داشتند حذف شدند.

در این تحقیق تلاش شد تا فرد پاسخ‌گو ضمن اعتماد به پرسشگر و با اطمینان از بی‌نام بودن پرسشنامه و رضایت آگاهانه و شفاهی، به تمام سؤالات مربوطه پاسخ صحیح بدهد. شرکت در طرح کاملاً اختیاری بوده و پاسخ‌گو در هر زمانی می‌توانست از مطالعه خارج شده و یا به سؤالی خاص پاسخ ندهد، ولی پرسشگر از او می‌خواست حتی‌الامکان به همه‌ی سؤالات مرتبط پاسخ‌های صحیح بدهد و به او اطمینان می‌داد که پرسشنامه‌ها پس از ورود به کامپیوتر در محلی مطمئن بایگانی و پس از ۶ ماه منهدم می‌شوند. کسب رضایت آگاهانه ولی شفاهی، بی‌نام بودن پرسشنامه و مشخص نبودن هویت افراد از ملاحظات اخلاقی این مطالعه محسوب می‌شود.

داده‌های پیمایش پس از ورود به نرم‌افزار SPSS بازبینی و ویرایش و سپس توزیع فراوانی برخی متغیرهای مهم توصیف شد. داده‌های

تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج

افراد مجرد از تحلیل این مقاله کنار گذاشته شدند و داده‌های مربوط به متأهلین و افراد در شرف طلاق با ساختن یک متغیر جدید که وضعیت تأهل فرد را نشان دهد، به هم ملحق و تحلیل شدند. در تحلیل دو متغیره، مقایسه بین درصدها با استفاده از تست آماری کای اسکور و مقایسه بین میانگین‌ها با استفاده از تست‌های تی و آنالیز واریانس انجام شد. سپس با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره‌ی لجستیک، تأثیر پیش‌بینی‌کنندگی عوامل مختلف در درخواست طلاق مشخص شد.

#### ۴- یافته‌های تحقیق

در فاز اول پیمایش، ۱۲٪ (۲۶۵ نفر) دانشجویان متأهل و همسر دار بودند که مشخصه‌های ازدواج آنها با افراد در شرف طلاق در جدول شماره‌ی ۱ مقایسه شده است. میانگین سن ازدواج در افراد در شرف طلاق کمی بیشتر از افراد دانشجوی همسر دار بود (۲۳/۸ در مقابل ۲۲/۴ سال،  $P < 0.01$ ). همچنین دانشجویان متأهلی که کمتر یا مساوی ۵ سال از زندگی زناشوییشان گذشته است، به‌طور معنی‌داری بیشتر از افراد در شرف طلاق بودند (۲/۶۴٪ در مقابل ۸/۴۳٪،  $P < 0.01$ ). در عوض درصد افرادی که بین ۶ تا ۱۰ سال از زندگی مشترکشان گذشته بود، در بین افراد در شرف طلاق تقریباً دو برابر افراد متأهل بود (۲/۲۹٪ در مقابل ۷/۱۵٪،  $P < 0.01$ ). این امر حاکی است که میانگین مدت ازدواج افراد در شرف طلاق بیشتر از دانشجویان متأهل است. سبک همسرگزینی در بین افراد متأهل همسر دار تفاوت معنی‌داری با افراد

در شرف طلاق دارد، به طوری که ازدواج بر اساس رابطه‌ی دوستی قبل از ازدواج به طور معنی‌داری در بین افراد در شرف طلاق بیشتر از افراد متأهل بود (حدود ۳۰٪ در مقابل ۲۱٪،  $P < 0.01$ ). در حالی که ازدواج سنتی بین هر دو گروه تقریباً فرقی نداشت (۵۲/۱٪ در مقابل ۵۱/۶٪). همچنین آشنایی در محیط کار و تحصیل نیز در افراد در شرف طلاق بیشتر از افراد متأهل بود (۱۸/۷٪ در مقابل ۱۳/۸٪،  $P < 0.01$ ).

نسبت تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم در زمان ازدواج در مقایسه با تحصیلات لیسانس و بالاتر در بین افراد در شرف طلاق بیشتر از این نسبت در بین افراد متأهل بود. مشابه همین نتایج نیز در مورد تحصیلات همسر در بدو ازدواج دیده شد. نمره‌ی متغیر همخوانی یا سازگاری اقتصادی، فرهنگی و مذهبی با همسر در بین متأهلین همسر دار به طور معنی‌داری بیشتر از افراد در شرف طلاق بود (به ترتیب ۳/۷۸ در مقابل ۲/۹۲، ۳/۸۰ در مقابل ۳/۲۲ و ۳/۹۲ در مقابل ۲/۹۴،  $P < 0.001$ ). وجود موارد طلاق در خانواده‌ی همسر نیز به طور معنی‌داری در بین افراد در شرف طلاق بیشتر از افراد متأهل همسر دار بود (۴۱/۳٪ در مقابل ۱۹/۸٪،  $P < 0.001$ ). تأیید همسر توسط خانواده در بدو ازدواج نیز در افراد متأهل به طور معنی‌داری بیشتر از افراد در شرف طلاق گزارش شد (نمره میانگین ۴/۰۶ در مقابل ۲/۵۹،  $P < 0.001$ ). در حالی که شناخت از همسر در بدو ازدواج در بین افراد متأهل و در شرف طلاق اختلاف معنی‌داری نداشت.



جدول ۱. مقایسه‌ی مشخصه‌های جمعیتی ازدواج در پاسخ‌گویان متأهل و افراد  
مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده در شهر تهران به منظور درخواست طلاق

تست آماری کای دو و آزمون تی (p-value)	وضعیت تأهل		مشخصه
	در شرف طلاق	متأهل (همسر دار)	
<۰/۰۱	۲۳/۸۲	۲۲/۴۲	میانتکین سن اولین ازدواج
<۰/۰۱	۴۳/۸ ۲۹/۲ ۲۷/۰	۶۴/۲ ۱۵/۷ ۲۰/۱	مدت زندگی زناشویی کمتر یا مساوی ۵ سال بین شش تا ده سال بیش از ده سال
<۰/۰۱	۵۱/۶ ۱۸/۷ ۲۹/۷ ۰/۰۰	۵۲/۱ ۱۳/۸ ۲۱/۱ ۱۳/۰۰	روش انتخاب همسر سنتی (خواستگاری) آشنایی در محل کار یا تحصیل رابطه‌ی دوستی قبل از ازدواج یا همسر سایر (غیر از سبک‌های ذکر شده)
<۰/۰۵	۶۳/۴ ۳۶/۶	۵۰/۴ ۴۹/۶	تحصیلات در زمان ازدواج دیپلم و فوق دیپلم لیسانس، فوق لیسانس و دکتری
<۰/۰۰۱	۷۴/۷ ۲۵/۳	۴۳/۰ ۵۷/۰	تحصیلات همسر در زمان ازدواج دیپلم و فوق دیپلم لیسانس و فوق لیسانس و دکتری
<۰/۰۰۱	۲/۹۲	۳/۷۸	میزان همخوانی اقتصادی با خانواده‌ی همسر (طیف نمره ۱-۵)*
<۰/۰۰۱	۳/۲۲	۳/۸۰	میزان همخوانی فرهنگی با خانواده‌ی همسر (طیف نمره ۱-۵)*
<۰/۰۰۱	۲/۹۴	۳/۹۲	میزان همخوانی مذهبی با خانواده همسر (طیف نمره ۱-۵)*

تست آماری کای دو و آزمون تی (p-value)	وضعیت تأهل		مشخصه
	در شرف طلاق	متأهل (همسر دار)	
<۰/۰۰۱	۴۱/۳	۱۹/۸	وجود موارد طلاق در خانواده همسر بلی خیر نمی دانم
	۴۳/۵	۷۶/۰	
	۱۵/۲	۴/۱	
<۰/۰۰۱	۲/۵۹	۴/۰۶	تأیید همسر توسط خانواده فرد در اوایل ازدواج (طیف ۱-۵)
۰/۳۷۷	۳/۳۹	۳/۵۲	شناخت از همسر در بدو ازدواج (طیف ۱-۵)
	۹۲	۲۴۲	تعداد

\* عدد ۱ معرف کمترین سازگاری و عدد ۵ معرف بیشترین سازگاری با خانواده همسر است.

#### ۴-۱- مقایسه‌ی تجربیات معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در افراد

##### متأهل همسر دار و افراد در شرف طلاق

حدود ۳۸٪ دانشجویان متأهل، تجربه‌ی رابطه‌ی دوستی با همسر کنونی‌شان در قبل از ازدواج گزارش کرده‌اند که این درصد در زنان کمی بیشتر از مردان است، ولی اختلاف معنی‌داری ندارند (۳۸/۱٪ در مقابل ۳۶/۱٪) (P=0.927). تنها حدود ۱۰٪ گزارش کرده‌اند که با همسرشان قبل از ازدواج رابطه‌ی پیشرفته داشته‌اند که این درصد در زنان بسیار بیشتر از مردان است ولی اختلاف معنی‌داری ندارند (۱۱/۲٪ در مقابل ۶/۶٪). تجربه‌ی دوستی با غیر همسر در کل دانشجویان متأهل حدود ۲۹/۵٪ گزارش شده است که این

رقم تقریباً بین مردان و زنان متأهل یکسان بوده و اختلاف معنی‌داری نشان نداده است. ارتباط پیشرفته با غیر همسر فقط حدود ۸٪ گزارش شده است که این رقم در بین مردان بسیار بیشتر از زنان متأهل است، ولی از نظر آماری معنی‌دار نیست (۱۱/۷٪ در مقابل ۶/۳٪،  $P=0.211$ ).

بین درخواست کنندگان طلاق، تجربه‌ی دوستی با همسر قبل از ازدواج ۳۸٪ بود و این درصد در بین زنان و مردان در شرف طلاق اختلاف معنی‌داری نداشت. حدود ۲۳٪ افراد تجربه‌ی رابطه‌ی پیشرفته با همسر قبل از ازدواج داشته‌اند که زنان به‌طور معنی‌داری این رابطه را نسبت به مردان بیشتر گزارش کرده‌اند (۲۶/۳٪ در مقابل ۱۶/۱٪)، اما این اختلاف معنی‌دار نیست. افراد در خواست کننده‌ی طلاق در ۳۴٪ موارد دوستی با غیر همسر را گزارش کرده‌اند که این درصد در مردان بیشتر از زنان است، اما این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار نیست (۲۹/۸٪ در مقابل ۴۱/۲٪) و همچنین مردان رابطه‌ی پیشرفته با غیر همسر را بیشتر از زنان متناظر خود گزارش کرده‌اند (۳۳/۳٪ در مقابل ۱۹/۳٪)؛ ولی این اختلاف نیز از نظر آماری معنی‌دار نیست.

جدول ۲. تجربیات معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در افراد متأهل همسر دار دانشجو و افراد در شرف طلاق با تحصیلات دانشگاهی به تفکیک جنس

وضعیت تأهل								وضعیت تجربه قبل از ازدواج
p-value	در شرف طلاق			p-value	متأهل			
	کل %	مرد %	زن %		کل %	مرد %	زن %	
۰/۵۳۴	۳۸/۰	۳۷/۱	۳۸/۶	۰/۹۲۷	۳۷/۶	۳۶/۱	۳۸/۱	تجربه‌ی رابطه‌ی دوستی با همسر قبل از ازدواج
۰/۲۰۷	۲۲/۷	۱۶/۱	۲۶/۳	۰/۳۹۷	۱۰/۰	۶/۶	۱۱/۲	تجربه‌ی رابطه‌ی پیشرفته با همسر قبل از ازدواج
۰/۱۹۰	۳۴/۱	۴۱/۲	۲۹/۸	۰/۲۹۱	۲۹/۵	۲۹/۵	۲۹/۴	تجربه‌ی رابطه‌ی دوستی با غیر همسر قبل از ازدواج
۰/۱۰۹	۲۴/۴	۳۳/۳	۱۹/۳	۰/۲۱۱	۷/۷	۱۱/۷	۶/۳	تجربه‌ی رابطه‌ی پیشرفته با غیر همسر قبل از ازدواج
	۹۲	۴۲	۵۰		۲۶۵	۶۵	۲۰۰	کل

توجه: درصد‌های ستونی بالا در بین کسانی است که تمایلی به گزارش کردن رفتارهای قبل از ازدواج خود را نداشته‌اند. در مورد سؤالات مختلف فوق، گزینه‌ای وجود داشت با عنوان «تمایلی به گزارش کردن ندارم». بین ۱/۳٪ تا ۳/۳٪ افراد متأهل گزینه‌ی فوق را انتخاب کرده بودند و تمایلی به پاسخ دادن به سؤالات بالا را نداشتند که از تحلیل کنار گذاشته شدند.

#### ۴-۲- تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر طلاق و جدایی

بر اساس تحلیل دو متغیره، رابطه‌ی دوستی با همسر در بین افراد متأهل و افراد در شرف طلاق اختلاف معنی داری ندارند، درحالی‌که رابطه‌ی پیشرفته

تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج

با همسر در بین افراد در شرف طلاق بسیار بیشتر از افراد متأهل دانشجوی بود (۲۳/۳٪ در مقابل ۹/۹٪،  $P < 0.01$ ). همچنین درصد تجربه‌ی رابطه‌ی دوستی با غیر همسر در بین متأهلین و افراد در شرف طلاق تفاوت معنی‌داری با هم نداشتند در حالی که رابطه‌ی پیشرفته با غیر همسر در بین افراد در شرف طلاق به‌طور معنی‌داری بیشتر از افراد دانشجوی متأهل بود (۲۵٪ در مقابل ۷/۵٪،  $P < 0.001$ ).

جدول ۳. مقایسه‌ی درصد معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین پاسخ‌گویان

متأهل همسر دار و افراد درخواست‌کننده‌ی طلاق

<i>P-value</i>	در شرف طلاق ٪	متأهل ٪	وضعیت تجربیات قبل از ازدواج با جنس مخالف
۰/۴۹۹	۳۷/۸	۳۸/۶	رابطه‌ی دوستی با همسر
< ۰/۰۱	۲۳/۳	۹/۹	رابطه‌ی پیشرفته با همسر
۰/۲۶۵	۳۴/۸	۳۰/۴	رابطه‌ی دوستی با غیر همسر
< ۰/۰۰۱	۲۵/۰	۷/۵	رابطه‌ی پیشرفته با غیر همسر
	(۱۰۰)۹۰	(۱۰۰)۲۴۱	تعداد (٪)

از آنجا که نمونه‌ی افراد در شرف طلاق یا درخواست‌کننده‌ی طلاق از افراد تحصیل‌کرده‌ی جامعه‌ی عمومی گرفته شده‌اند و ممکن است با افراد متأهل دانشجوی تفاوت‌هایی داشته باشند (علی‌رغم اینکه سعی شده در یک طیف سنی و تحصیلی باشند)، برای ایجاد امکان ادغام داده‌های این دو گروه و انجام رگرسیون لجستیک برای تشخیص تعیین‌کننده‌های درخواست طلاق، متغیر متمایز کننده‌ی این دو گروه (یعنی مدرک تحصیلی یا مقطع تحصیلی) نیز در مدل وارد شد تا بتوان اثر آن را کنترل کرد. به این ترتیب

با اطمینان بیشتری می‌توان این دو گروه را با هم مقایسه کرد. با استفاده از رگرسیون لجستیک، فاکتورهای پیش‌بینی کننده‌ی درخواست طلاق باقی مانده در مدل شناسایی شدند. هر چند بایستی متذکر شد از آنجا که افراد درخواست کننده‌ی طلاق ممکن است به علت نارضایتی از زندگی خود، میزان‌های ناسازگاری اقتصادی، فرهنگی و مذهبی را کمی بیش از واقعیت گزارش کرده باشند، این امر جزء محدودیت‌های این مطالعه بوده و بایستی در تفسیر نتایج به آن دقت شود. همچنین ممکن است میزان شناخت از یکدیگر و تأیید همسر توسط خانواده را کمتر از حد واقعی خود گزارش کرده باشند.

در مورد متغیرهای کمی نمره‌ای مانند میزان سازگاری اقتصادی، فرهنگی و مذهبی که نمره‌ی آنها بین عدد ۱ تا ۵ متغیر است، عدد ۱ معرف سازگاری خیلی کم و عدد ۵ معرف سازگاری خیلی زیاد است. در خصوص میزان تأیید همسر توسط خانواده و میزان شناخت از یکدیگر در بدو ازدواج نیز عدد ۱ به ترتیب معرف تأیید خیلی کم همسر توسط خانواده و شناخت کم در بدو ازدواج است و عدد ۵ معرف تأیید زیاد همسر توسط خانواده و شناخت زیاد در بدو ازدواج است. در واقع با افزایش نمره میزان سازگاری افزایش یافته و شناخت از یکدیگر و تأیید همسر توسط خانواده نیز افزایش می‌یابد. متغیرهای تعیین کننده و مهم در مدل رگرسیون لجستیک، بسیاری از ارتباطات معنی‌داری که در تحلیل دو متغیره بین متغیرهای مختلف و وقوع

طلاق دیده شد را تعدیل می‌کنند و در درخواست طلاق تأثیر می‌گذارند. احتمال رفتن ازدواج به سمت طلاق با داشتن معاشرت پیشرفته‌ی قبل از ازدواج با همسر ۳/۱۸ برابر می‌شود ( $P < 0.001$ ) و احتمال فوق با داشتن تجربه‌ی معاشرت با غیر همسر قبل از ازدواج ۳/۶۳ برابر می‌شود ( $P > 0.001$ ).

جدول ۴. نقش تعیین‌کنندگی یا پیش‌بینی‌کنندگی خالص معاشرت‌های پیشرفته با همسر و غیر همسر قبل از ازدواج بر طلاق

متغیر مستقل	نسبت شانس خالص (Crude Odds Ratio)	فاصله اطمینان	P-value
تجربه‌ی رابطه‌ی پیشرفته با همسر خیر بلی	۱/۰۰ ۳/۱۸	۱/۷۳-۵/۸۵	<۰/۰۰۱
تجربه‌ی رابطه‌ی پیشرفته با غیر همسر خیر بلی	۱/۰۰ ۳/۶۳	۱/۹۲-۶/۸۶	<۰/۰۰۱

در تحلیل لجستیک تعیین‌کننده‌های طلاق، متغیرهای معنی‌دار این مدل حدود یک سوم تغییرات وقوع طلاق را تبیین می‌کنند. ( $R\text{-square}=0.318$ ) در این مدل به خوبی مشخص است که هر چه نمره‌ی سازگاری اقتصادی با همسر و نمره‌ی میزان شناخت از همسر در بدو ازدواج بالاتر رود، خطر طلاق به‌طور معنی‌داری کاهش می‌یابد. همچنین کسانی که در خانواده‌ی درجه‌ی یک همسرشان موارد طلاق داشته‌اند حدود ۳ برابر خطر طلاق در آنها افزایش می‌یابد. با کنترل اثر مدرک تحصیلی و سایر متغیرهای مهم در

مدل، افرادی که قبل از ازدواج رابطه‌ی پیشرفته با غیر همسر داشته‌اند خطر طلاق در آنها حدوداً چهار برابر بیشتر است. ( $OR=4.27, P<0.01$ )

جدول ۵. تحلیل چند متغیره عوامل پیش‌بینی کننده‌ی طلاق با تأکید بر نقش تجربه معاشرت پیشرفته با غیر همسر قبل از ازدواج

متغیرهای مستقل	Adjusted OddsRatio	فاصله‌ی اطمینان	P-value
سن ازدواج	۱/۰۹	۰/۹۹-۱/۲۰	۰/۰۷
سازگاری اقتصادی با همسر (طیف ۱-۵)	۰/۶۷	۰/۴۷-۰/۹۸	<۰/۰۵
سازگاری مذهبی با همسر (طیف ۱-۵)	۰/۷۸	۰/۵۵-۱/۱۱	۰/۱۷۵
تأیید همسر توسط خانواده (طیف ۱-۵)	۰/۸۳	۰/۶۱-۱/۱۲	۰/۲۲۴
شناخت از یکدیگر در بدو ازدواج (طیف ۱-۵)	۰/۵۱	۰/۳۷-۰/۷۰	<۰/۰۰۱
وجود طلاق در خانواده درجه‌ی یک همسر خیر بلی	۱/۰۰ ۳/۱۳	۱/۵۲-۶/۴۷	<۰/۰۱
مدرک تحصیلی در زمان مطالعه فوق لیسانس/دکتری لیسانس و پایین‌تر	۱/۰۰ ۴/۰۹	۱/۶۰-۱۰/۷۵	<۰/۰۱
تجربه‌ی رابطه‌ی پیشرفته با غیر همسر خیر بلی	۱/۰۰ ۴/۱۲	۱/۵۸-۱۰/۷۵	<۰/۰۱
ثابت	۱/۰۷		۰/۹۶

Cox and Snell R-square=0.318, Nagelkerke R-Square=0.467



در مدل لجستیک زیر، متغیرهای معنی‌دار حدود یک سوم تغییرات وقوع طلاق را تبیین می‌کنند ( $R\text{-square}=0.317$ ) به خوبی مشخص است که هر چه میزان شناخت از همسر در بدو ازدواج بالاتر باشد خطر طلاق به‌طور معنی‌داری کاهش می‌یابد ( $OR=0.48, p<0.001$ ). همچنین کسانی که در خانواده‌ی درجه یک همسرشان طلاق داشته‌اند حدود  $3/5$  برابر خطر طلاق در آنها افزایش می‌یابد. با کنترل اثر مدرک تحصیلی و سایر متغیرهای مهم در مدل، خطر یا احتمال رخداد طلاق در افرادی که قبل از ازدواج با همسر کنونی‌شان رابطه‌ی پیشرفته را گزارش کرده‌اند، حدوداً  $5$  برابر بیشتر از کسانی است که این تجربیات را گزارش نکرده‌اند ( $OR=5.140, P<0.01$ ).

جدول ۶. تحلیل چند متغیره‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی طلاق با تأکید بر نقش تجربه‌ی معاشرت پیشرفته با همسر قبل از ازدواج

<i>P-value</i>	فاصله اطمینان	<i>Adjusted Odds Ratio</i>	متغیرهای مستقل
۰/۰۹	۰/۹۸-۱/۱۹	۱/۰۸	سن ازدواج
۰/۰۸	۰/۴۸-۱/۰۵	۰/۷۱	سازگاری اقتصادی با همسر (طیف ۱-۵)
۰/۲۸۳	۰/۵۷-۱/۱۸	۰/۸۲	سازگاری مذهبی با همسر (طیف ۱-۵)
۰/۴۲۱	۰/۶۵-۱/۱۹	۰/۸۸	تأیید همسر توسط خانواده (طیف ۱-۵)
۰/۰۰۱	۰/۳۴-۰/۶۷	۰/۴۸	شناخت از یکدیگر در بدو ازدواج (طیف ۱-۵)
۰/۰۱	۱/۷۰-۷/۲۴	۱/۰۰ ۳/۵۱	وجود طلاق در خانواده درجه یک همسر خیر بلی
۰/۰۱	۱۰/۵۰-۹/۸۳	۱/۰۰ ۳/۸۵	مدرک تحصیلی در زمان مطالعه فوق لیسانس / دکتری لیسانس و پایین‌تر
۰/۰۱	۱/۹۷-۱۳/۳۹	۱/۰۰ ۵/۱۴	تجربه‌ی رابطه‌ی پیشرفته با همسر خیر بلی
	۰/۸۷۶	۰/۷۹۸	ثابت ( <i>constant</i> )

Cox and Snell R-square=0.317, Nagelkerke R-Square=0.467

توجه: در مدل لجستیک اثر میزان تحصیلات در زمان مطالعه و در زمان ازدواج کنترل شده است تا قدرت مقایسه بین دو گروه ایجاد شود. به علت همبستگی بالا بین سازگاری فرهنگی و مذهبی، فقط سازگاری مذهبی وارد مدل شد تا از خطای Multicollinearity جلوگیری شود.

## تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج

یکی دیگر از اهداف فرعی این مطالعه، مقایسه‌ی تعداد معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و سن شروع معاشرت‌های قبل از ازدواج در بین افراد همسر دار و افراد در شرف طلاق است. در تحلیل دو متغیره نشان داده شد که بین افرادی که این‌گونه معاشرت‌ها را داشته‌اند، میانگین تعداد معاشرت‌های دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج در افراد در شرف طلاق به‌طور معنی‌داری بیشتر از دانشجویان همسر دار است ( $P < 0.05$ )، به‌طور متوسط افراد در شرف طلاق، پنج مورد معاشرت قبل از ازدواج را گزارش کرده‌اند در حالی‌که افراد همسر دار، به‌طور متوسط ۳/۱۴ مورد معاشرت دوستی قبل از ازدواج را گزارش کرده‌اند.

در خصوص سن شروع معاشرت با جنس مخالف، بر خلاف انتظار، افراد در شرف طلاق، به‌طور میانگین در سن بالاتری اولین معاشرت با جنس مخالف را آغاز کرده‌اند. به‌طوری‌که سن شروع معاشرت در افراد در شرف طلاق ۱۹/۲۵ و در افراد همسر دار ۱۷/۸۲ بوده است. بنابراین می‌توان گفت از آنجاکه انگیزه‌ی معاشرت نیز فاکتور مهمی است در تأثیر معاشرت در وقوع طلاق، در این تحلیل، انگیزه‌ی معاشرت‌ها و اثر آن لحاظ نشده است. شاید بتوان این‌طور تعبیر کرد که افراد همسر دار، علی‌رغم اینکه معاشرت با جنس مخالف را کمی زودتر آغاز کرده‌اند ولی ممکن است بیشتر با انگیزه‌ی شریک‌گزینی برای ازدواج و یا انتخاب همسر بالقوه برای ازدواج بوده است.

جدول ۷. مقایسه‌ی سن شروع و تعداد معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در دانشجویان متأهل و افراد در شرف طلاق با تحصیلات دانشگاهی

متغیر	متأهل	در شرف طلاق	P-value*
تعداد معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج (میانگین)	۳/۱۴ SD=3.52	۵/۰۰ SD=6.37	<۰/۰۵
کل	(۱۰۰)۱۳۳	(۱۰۰)۳۹	
سن شروع اولین معاشرت با جنس مخالف (میانگین)	۱۷/۸۲ SD=3.05	۱۹/۲۵ SD=3.94	<۰/۰۵
	(۱۰۰)۱۳۹	(۱۰۰)۴۸	

\*تی تست برای مقایسه‌ی میانگین‌ها استفاده شده است.

## ۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنجا که ممکن است یکی از انگیزه‌های جوانان برای معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج شناخت بیشتر و انتخاب صحیح‌تر در ازدواج باشد؛ لذا انتظار می‌رود زوج‌هایی که معاشرت قبل از ازدواج با همسر داشته‌اند، شناخت و تطابق بهتری بین زوجین اتفاق افتاده و ازدواج موفق‌تری داشته باشند و میزان طلاق در آنها کمتر باشد. این یکی از فرضیه‌هایی است که در این مطالعه آزموده شده است. مقایسه‌ی افراد همسر دار و افراد در شرف طلاق در خصوص معاشرت دوستی با همسر قبل از ازدواج، نشان داد که در دو گروه، شیوع این نوع معاشرت‌ها تفاوت معنی‌داری ندارد و بالطبع نمی‌توان در این خصوص نتیجه‌گیری کرد که معاشرت در حد دوستی

## تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج

موجب افزایش احتمال طلاق می‌شود، اما در خصوص معاشرت پیشرفته با همسر قبل از ازدواج، نتایج عکس است. این مطالعه نشان داد، تجربه‌ی رابطه‌ی پیشرفته‌ی قبل از ازدواج با همسر در کل بین افراد تحصیل کرده‌ی در شرف طلاق به‌طور معنی‌داری بیشتر از افراد تحصیل کرده همسر دار است. احتمال خالص طلاق در بین کسانی که روابط پیشرفته‌ی قبل از ازدواج با همسرشان داشته‌اند نسبت به کسانی که این نوع روابط را نداشته‌اند  $3/18$  برابر است (Crude OR=3.18,  $p<0.001$ )، حتی پس از کنترل اثر سایر عواملی که مرتبط با طلاق هستند مانند سطح تحصیلات، میزان سازگاری اقتصادی و مذهبی با همسر، میزان شناخت قبل از ازدواج، میزان تأیید همسر توسط خانواده و وجود موارد طلاق در خانواده‌ی درجه یک همسر، همچنان داشتن تجربه‌ی معاشرت پیشرفته با همسر قبل از ازدواج ( $OR=5.03$ ,  $p<0.01$ ) از تعیین کننده‌های مهم طلاق محسوب می‌شود و احتمال طلاق را ۵ برابر می‌کند و یا به عبارتی به‌طور محسوسی بالا می‌برد.

این امر می‌تواند به علت شرایط اقتصادی - اجتماعی و خانوادگی و یا خصوصیات فردی خاص باشد که هم با طلاق و هم با تجربه‌ی معاشرت قبل از ازدواج مرتبط‌اند. مشابه نتایج فوق برای همبستگی<sup>۱</sup> و طلاق نیز پیشنهاد شده است؛ برای مثال افرادی که تجربه‌ی طلاق در خانواده داشته باشند بیشتر ممکن است به سوی معاشرت‌های بدون تعهد بروند

---

1- Cohabitation

(Kamp Dush 2003 539-549)؛ لذا احتمال تجربه‌ی معاشرت با جنس مخالف و همچنین احتمال طلاق در این افراد بالاتر است. چنانچه در مطالعه‌ی حاضر نیز نشان داده شد که رخدادهای طلاق در خانواده‌ی درجه‌ی یک همسر در بین افراد در شرف طلاق به‌طور معنی‌داری بیشتر از افراد متأهل است. همچنین این افراد ممکن است پای‌بندی ضعیف‌تری به ازدواج، خانواده و مذهب داشته و یا تفکرات مدرن‌تری را داشته باشند. ممکن است برخی خصوصیات و مشخصه‌های زمینه‌ای که همزمان با ناسازگاری و طلاق مرتبط‌اند با ارتباطات قبل از ازدواج نیز مرتبط باشند. در واقع آنها علل زمینه‌ای هستند که بیشتر ازدواج را به سوی نارضایتی و طلاق سوق می‌دهند مثل نگرش‌های جنسیتی؛ برای مثال زنانی که بیشتر به تساوی جنسیتی معتقدند ممکن است بیشتر درگیر روابط قبل از ازدواج شده و بیشتر با نارضایتی زناشویی و طلاق مواجه شوند که نگاه و نگرش‌های جنسیتی خاص آنها در واقع علت زمینه‌ای برای سازگاری کمتر زناشویی است. خود این نگرش‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز جدایی و طلاق باشد.

استانلی و همکاران در سال ۲۰۰۶ در خصوص تأثیر همباشی در افزایش رخداد طلاق ادعا کردند که معاشرت و همباشی تأثیر خود را در طلاق از دو سو اعمال می‌کند؛ یکی انتخاب نامناسب که بیشتر یک نوع «سر خوردن به سوی رابطه» است نه انتخاب رابطه و دیگری تجربه‌ی معاشرت و همباشی که به خودی خود تأثیر منفی بر ازدواج خواهد داشت (Stanly & et al 2006: 499-504).

فرض اول، موضوع انتخاب و شریک‌گزینی در معاشرت‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف و تأثیر آن در ازدواج است، به طوری که افرادی که وارد رابطه‌ی دوستی‌های قبل از ازدواج می‌شوند، شرکای پرخطرتر برمی‌گزینند (Clarkberg 1999:245-968; Clarkberg & Stolzenberg 1995: 609-634; Landale & Forste 1991: 587-608; Schoen & Weinick 1993: 408-414). افراد ممکن است بدون در نظر گرفتن شرایط مطلوب شریک ازدواج، با فردی رابطه‌ی عاطفی برقرار کنند، در واقع انتخاب آنها بهترین گزینه برای ازدواجشان نیست و اغلب ممکن است به علت دلبستگی عاطفی و بدون در نظر گرفتن میزان تطابق و سازگاری فرهنگی، اقتصادی و مذهبی، تحصیلات و غیره، دست به انتخاب برای ازدواج بزنند. در واقع انتخاب آنها نوعی سر خوردن به سوی رابطه است نه تصمیم عقلانی راجع به رابطه (Stanly & et al 2006: 499-504). این فرض در مورد رابطه‌ی همباشی و رخداد بیشتر طلاق در مطالعات سایر جوامع نیز صحت دارد؛ لذا با این فرض، تأثیر سوء معاشرت پیشرفته‌ی قبل از ازدواج و رخداد بیشتر طلاق می‌تواند از طریق تأثیری باشد که به علت انتخاب غلط شریک زندگی در معاشرت‌های پیشرفته‌ی قبل از ازدواج اتفاق بیافتد. چنانچه در مطالعه حاضر، در مدل رگرسیون نشان داده شد که با ورود متغیر تجربه‌ی معاشرت پیشرفته با همسر متغیرهای سازگاری فرهنگی، اقتصادی و مذهبی اهمیت معنی‌داری خود را که در تحلیل دو متغیره داشتند، از دست می‌دهند؛

لذا می‌توان پیشنهاد داد که بسیاری از تأییراتی که معاشرت‌های قبل از ازدواج در طلاق دارند، از طریق انتخاب نامناسب شریک ازدواج - که عدم تطابق فرهنگی و اقتصادی و مذهبی را به همراه دارد - اعمال می‌شود.

تجربه‌ی این معاشرت‌ها - به‌خصوص اگر معاشرت‌ها متعدد باشد و پیشرفته باشد - نه تنها می‌تواند بر تمایل به ازدواج و سن ازدواج - به‌خصوص در بین پسران - تأثیر داشته باشد، یعنی موجب تمایل کمتر به ازدواج و افزایش سن ازدواج شود (خلج آبادی فراهانی ۱۳۹۲، همان ۱۳۹۰)، بلکه می‌تواند اثر منفی در کیفیت ازدواج و احتمال بیشتر طلاق و تصمیم به جدایی داشته باشد. به‌طوری‌که این تجربیات تغییرات نگرشی و ارزشی نسبت به جنس مخالف، همسر آینده، ماهیت ازدواج، تعهد و جایگزین‌های ازدواج در خارج از چارچوب ازدواج ایجاد می‌کند و این تغییرات موجب افزایش احتمال طلاق در افراد پس از ازدواج می‌شود. کمپ داش و همکاران طی مطالعه‌ای بر روی ۱۱۴۲۵ زوج در دو نسل ازدواج (نسل ازدواج ۱۹۶۴ میلادی و ۱۹۸۰ میلادی و نسل ازدواج بین ۱۹۸۱ و ۱۹۹۷ میلادی) نشان دادند زوج‌هایی که قبل از ازدواج ارتباط همخانگی یا همبashi داشتند، کیفیت ازدواج ضعیف‌تر و ازدواج سست‌تری داشته و طلاق بیشتری را تجربه کرده‌اند. در واقع رخداد طلاق در زوجین فوق در مقایسه با زوج‌هایی که قبل از ازدواج همباش نبوده‌اند، بالاتر بوده است. این یافته‌ها پیشنهاد کردند که علاوه بر نظریه‌ی انتخاب - که دیدگاه غالبی برای توضیح تأثیر همبashi



و معاشرت قبل از ازدواج در طلاق است - خود تجربه‌ی همخانگی یا همباشی در دیدگاه افراد تأثیراتی می‌گذارد که موجب احتمال بیشتر طلاق می‌شود (Kamp Dush 2003: 539-549). در این مطالعه، معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج می‌تواند جانشین همباشی در سایر جوامع محسوب شود با این تفاوت که ممکن است کمتر همخانگی اتفاق افتد، در حالی که افراد ساعات زیادی را با هم در طول روز سپری می‌کنند.

بر اساس نتایج این مطالعه، شیوع سبک همسرگزینی از طریق دوستی و رابطه‌ی عاطفی قبل از ازدواج در بین افراد تحصیل‌کرده‌ی در شرف طلاق به‌طور معنی‌داری بیشتر از افراد تحصیل‌کرده متأهل است (۲۹/۷٪ در مقابل ۲۱/۱٪،  $P < 0.01$ ). همچنین میزان همخوانی اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در افراد در شرف طلاق نسبت به افراد متأهل کمتر است. البته باید در نظر داشت به علت مقطعی بودن مطالعه‌ی حاضر، ممکن است افراد بعد از تصمیم به طلاق، برآورد کمتری از سازگاری با همسر در این زمینه داشته باشند که در تفسیر نتایج باید مدنظر قرار گیرد. همچنین موارد رخداد طلاق در خانواده‌ی درجه‌ی یک همسر در بین افراد در شرف طلاق به‌طور معنی‌داری بیشتر از افراد متأهل است و تأیید همسر توسط خانواده‌ی فرد در اوایل ازدواج در بین افراد متأهل بیشتر از افراد در شرف طلاق است. شناخت از همسر در هر دو گروه تفاوتی ندارد.

نتایج مطالعه‌ی حاضر در خصوص تأثیر روابط قبل از ازدواج با همسر کنونی در طلاق، با نتایج مطالعه‌ی موسوی که بر روی ۸۰ نفر دانشجوی متأهل در دانشگاه‌های دولتی تهران انجام داد، ناسازگار است. موسوی در مطالعه‌ی خود نتیجه‌گیری کرد، دانشجویانی که روابط قبل از ازدواج داشته‌اند در مقایسه با دانشجویانی که قبل از ازدواج رابطه نداشته‌اند (موسوی ۱۳۸۴)، تعارضات زناشویی کمتر و همکاری بیشتری را گزارش کرده‌اند. مطالعه‌ی موسوی فقط بر روی دانشجویان دولتی و روی حجم نمونه کمی انجام شده و به جزئیات میزان پیشرفت رابطه‌ی قبل از ازدواج و تأثیر آن در کیفیت ازدواج نپرداخته است.

باید متذکر شد که مکانیسم تأثیر معاشرت پیشرفته با غیر همسر کنونی قبل از ازدواج در طلاق، می‌تواند متفاوت از تأثیر معاشرت پیشرفته‌ی قبل از ازدواج با همسر باشد. در واقع این مطالعه نشان داد که معاشرت دوستی با غیر همسر قبل از ازدواج در بین دانشجویان متأهل و افراد در شرف طلاق تفاوت معنی‌داری ندارد، ولی احتمال خالص طلاق در افرادی که معاشرت پیشرفته با غیر همسر دارند ۳/۶ برابر افرادی است که چنین معاشرتی را نداشته‌اند. در مدل‌های رگرسیون لجستیک، مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های طلاق، پس از کنترل سایر عوامل تأثیرگذار عبارت بودند از «میزان تطابق و سازگاری اقتصادی با همسر، وجود طلاق در خانواده‌ی درجه‌ی یک همسر، میزان شناخت زوجین از یکدیگر در بدو ازدواج، تحصیلات و در نهایت معاشرت پیشرفته قبل از

## تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج

ازدواج با فردی غیر از همسر کنونی فرد».

به نظر می‌رسد نقش فاکتورهای زمینه‌ای مشترک طلاق و داشتن تجربه‌ی معاشرت پیشرفته با افرادی از جنس مخالف غیر از همسر کنونی، قبل از ازدواج در این مورد نباید کم اهمیت دیده شود. همچنین در این نوع تأثیر فاکتور انتخاب نقش نداشته و بلکه دیدگاه دیگر یعنی تأثیر معاشرت‌های قبل از ازدواج در نگرش‌ها و ارزش‌های فرد می‌تواند بیشتر باشد به طوری که پای‌بندی به ازدواج را کمتر کرده و موجب افزایش وقوع طلاق می‌شود. بر اساس این مطالعه، تعدد معاشرت‌های قبل از ازدواج نیز در افراد در شرف طلاق بیشتر از دانشجویان متأهل است، می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه معاشرت‌های قبل از ازدواج در بستر هنجارها و شرایط اجتماعی - فرهنگی جامعه‌ی تهران با انگیزه‌ی ازدواج باشد و معیارهای شریک‌گزینی در ابتدای انتخاب فرد برای داشتن معاشرت لحاظ شود و بالاخره در جهت شناخت بیشتر برای ازدواج باشد، اثرات منفی کمتری در ازدواج خواهد گذاشت ولی هر چه انگیزه‌ی این ارتباطات غیر از ازدواج باشد، متعدد بوده و رابطه‌های پیشرفته و جنسی را در بر بگیرد، تأثیر منفی در ازدواج داشته و احتمال طلاق در آن بیشتر است. نتایج مربوط به سن شروع معاشرت‌ها بر خلاف انتظار بوده و به نظر می‌رسد پائین‌تر بودن سن شروع معاشرت‌ها بایستی با انگیزه‌ی افراد از اولین معاشرت‌ها با هم تحلیل شوند چرا که ممکن است به تنهایی نتوانند به درستی تفسیر شوند.

بسیاری از ارتباطات بین عوامل زمینه‌ساز طلاق ممکن است با رخداد طلاق ارتباط دو سویه داشته باشد و استنتاج علی و معلولی باید با احتیاط انجام شود. از آنجا که این مقاله یک مطالعه‌ی مقطعی است، نتیجه‌گیری یک رابطه‌ی علت و معلولی مشکل است؛ برای مثال ممکن است افرادی که در شرف طلاق‌اند میزان سازگاری خود با همسر را کمتر گزارش کنند.

نتایج مطالعات پیشین در سایر جوامع تا حدود زیادی با نتایج این مطالعه همخوانی دارد. البته در سایر جوامع رابطه‌ی بین همباشی و کیفیت ازدواج و طلاق بررسی شده است. براساس این مطالعات در بین افراد متأهل، همباشی پیش از ازدواج با مواردی همچون رضایت‌مندی کمتر از زندگی زناشویی، اختصاص دادن زمان کمتر از سوی زوجین برای انجام فعالیت‌های مشترک، سطوح بالاتری از نبود توافقی‌های زناشویی، رفتار حمایتی کمتر، روش‌های حل مسئله‌ی مثبت کمتر، گزارش بیشتر از وجود مشکلات زناشویی و در نهایت درک عمیق‌تری از احتمال واقعی گسست روابط زناشویی مربوط است (Cohan & Kleinbaum 2002: 180-192). به علاوه زوج‌هایی که در ابتدا همباش بوده‌اند در مقایسه با زوج‌هایی که مستقیم وارد ازدواج می‌شوند، احتمال بالاتری از گسست رابطه‌ی زناشویی را به ویژه در سال‌های اولیه ازدواج دارند (Heaton 2002: 392-409).

صرف نظر از این باور عمومی که همباشی آزمونی مناسب برای سنجش درجه‌ی تطابق زوجین است، مطالعات در جوامع غربی نشان

می‌دهد که همبستگی پیش از ازدواج با پیامدهای منفی پس از ازدواج همبسته است. در کشورهای غربی همبستگی پیش از ازدواج با نرخ‌های بالاتر طلاق (Keiran 2002: 3-92). رضایت کمتر از زندگی زناشویی (Brown & Booth 1996: 668-678)، تعهد بین فردی کمتر در بین مردان، ارتباطات ضعیف‌تر مشاهده شده و درک شده در ازدواج (Cohan & Kleinbaum)، نرخ‌های تعارض زناشویی بالاتر (Thomson & Colella 1992: 259-267)، نرخ‌های بالاتر خیانت همسران زن (Forste & Tanfer 1996: 33-47) و نرخ بالاتری از احتمال درک شده‌ی طلاق همراه است (Kline & et al 2004: 311-318). اگر همبستگی در سایر جوامع را معادل معاشرت با جنس مخالف به شکل دوستی و پیشرفته - ولی نه لزوماً هم‌خانگی - در نظر بگیریم، می‌توان ادعا کرد که نتایج مطالعه‌ی حاضر با مطالعات انجام شده در خصوص تأثیر همبستگی در طلاق همخوانی دارد.

علی‌رغم اینکه در این مطالعه تمام تلاش به کار گرفته شد تا نمونه‌ی افراد متأهل و در شرف طلاق، قابل مقایسه باشند، ولی یکی از محدودیت‌های این مطالعه این بود که دانشجویان متأهل در زمان مطالعه با فرض اینکه در مقطع تحصیلی دانشگاهی فارغ‌التحصیل می‌شوند با افراد تحصیل کرده‌ی دانشگاهی در شرف ازدواج مقایسه شدند. یکی دیگر از محدودیت‌های این مطالعه این بود که دانشجویان متأهل ممکن است شرایط زندگی دانشجویی داشته و از افراد تحصیل کرده در شرف طلاق متفاوت باشند. لازم به ذکر است

میانگین سن ازدواج در دو گروه متأهلین و افراد در شرف ازدواج تفاوت زیادی نداشت، ولی طول مدت ازدواج در افراد در شرف طلاق کمی بیشتر از افراد دانشجو بود. با استفاده از روش‌های آماری چند متغیره و وارد کردن این فاکتور در مدل‌های لجستیک، تا حد زیادی تأثیر این عامل کنترل و از خطاهای احتمالی پیشگیری شد؛ لذا پیشنهاد می‌شود در مورد این تأثیرات مطالعات طولی که به وسیله‌ی آنها بتوان فاکتورهای بیشتری را در طول زمان کنترل کرد، انجام شود. این نتایج فقط به افراد تحصیل کرده‌ی دانشگاهی در تهران تعمیم‌پذیر است و ممکن است به گروه‌های دیگر افراد در سایر استان‌ها تعمیم‌پذیر نباشد.

## ۶- پیشنهادات

نتایج این بررسی در سطوح مختلف خرد و کلان سیاست‌گذاری استفاده می‌شود. با توجه به تأکید بر مسئله‌ی خانواده در جامعه‌ی ایران و استحکام خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه، توجه به ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی طلاق و آسیب‌شناسی وضع موجود اهمیت وافری دارد. لذا می‌بایست به نقش این نوع معاشرت‌ها در تحولات خانواده و ازدواج، بیش از پیش توجه شده، درباره آنها تحقیق و کارشناسی بیشتر انجام شود. به این معنی که غیر از نقش عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی مرتبط با ازدواج و طلاق، نقش گسترش سایر جایگزین‌های ازدواج به شکل معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در تحولات خانواده و طلاق

بیشتر لحاظ شود. بر اساس نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود، مداخلات اجتماعی و آموزشی جامعی در خانواده‌ها و جوانان طراحی شود تا آسیب ناشی از معاشرت‌های پیشرفته و متعدد با جنس مخالف قبل از ازدواج و معاشرت‌های بدون قصد ازدواج کاهش یابد. در آموزش‌های مربوط به حفظ کیان خانواده و تشویق ازدواج به موضوع معاشرت‌های قبل از ازدواج و ارزش‌های مربوط به آن پیش از پیش پرداخته شود تا سیاست‌گذاری‌ها موفق‌تر باشند. بسیاری از باورهای غلط در بین جوانان و خانواده‌ها در خصوص این نوع معاشرت‌ها و تأثیرات آن بر همسریابی، کیفیت ازدواج و طلاق با اطلاع‌رسانی نتایج این طرح به جوانان و خانواده‌ها می‌تواند اصلاح شوند. اقدامات فرهنگی (آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم) مناسب با هدف قرار دادن جوانان و خانواده‌ها انجام شود تا اثرات نامطلوب ارتباطات عاطفی متعدد و پیشرفته‌ی قبل از ازدواج و بدون قصد ازدواج را بر احتمال طلاق نشان دهند. مشاورین جوانان و خانواده‌ها می‌توانند در مشاوره‌های خود از نتایج این تحقیق بومی در جهت اصلاح باورهای نادرست جوانان مدد بگیرند. آموزش‌هایی در خصوص نحوه‌ی تأثیرات این نوع ارتباطات با نیت مختلف و ماهیت متفاوت بر طلاق برای مشاوران خانواده‌ها، روان‌شناسان مشاوره، مراکز آموزشی و جوانان تدارک دیده شود. محققین علوم اجتماعی بیش از پیش نقش این‌گونه معاشرت‌ها را در مسائل و آسیب‌های خانواده مانند فرار دختران، طلاق، خیانت و غیره جدی گرفته و به آن بپردازند.

### منابع

- ◀ بهرامی، سیاوش. بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهرستان کرمانشاه، (پایان‌نامه‌ی دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران)، (۱۳۸۶).
- ◀ جعفری، فرهاد و دیگران. «بررسی مشکلات جنسی پسران دانشجو و عوامل مؤثر بر آن»، خلاصه مقالات دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، تهران، دانشگاه شاهد، (۱۳۸۴).
- ◀ جلیلیان، زهرا. عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۷۵).
- ◀ خلیج آبادی فراهانی، فریده و امیر هوشنگ مهربار. «نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، خانواده‌پژوهی، سال ششم، ش ۲۴، (۱۳۸۹).
- ◀ خلیج آبادی فراهانی، فریده، شهلا کاظمی‌پور و علی رحیمی. بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج، رضایت زناشویی و طلاق، طرح مشترک وزارت ورزش و جوانان و موسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران، (۱۳۹۰).
- ◀ خلیج آبادی فراهانی، فریده، شهلا کاظمی‌پور و علی رحیمی. «بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، خانواده‌پژوهی، ش ۳۳، (۱۳۹۲).
- ◀ زرگر، فاطمه. «بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان»، خانواده‌پژوهی، پژوهشکده خانواده، سال سوم، ش ۱۱.
- ◀ سازمان ثبت احوال ایران، ۱۳۹۱.



تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج

◀ سیدان، فریبا و طیبه عباس‌لو. «هویت اجتماعی و بی‌مبالاتی جنسی دختران»، خلاصه مقالات دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، تهران، دانشگاه شاهد، (۱۳۸۴).

◀ قطبی، مرجان. بررسی وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد در تابستان ۱۳۸۲، (پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران)، (۱۳۸۳).

◀ کلدی، علیرضا. عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق زوجین متقاضی طلاق مراجعین مرکز مشاوره طلاق شهر ساری طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹، (پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی)، (۱۳۸۳).

◀ موسوی، اسماعیل. تأثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، (پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تربیت معلم)، (۱۳۸۴).

◀ میرمولایی، سیده طاهره و دیگران. «بررسی رفتارهای جنسی و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های دولتی شهر تهران»، خلاصه مقالات دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، تهران، دانشگاه شاهد، (۱۳۸۴).

➤ Brown, S. L., & Booth, A. "Cohabitation versus marriage: A comparison of relationship quality", *Journal of Marriage and the Family*, 58, (1996).

➤ Clarkberg, M. (1999). The price of partnering: The role of economic well-being in young adults' first union experiences. *Social Forces*, 77.

➤ Clarkberg, M, R. M, Stolzenberg & L. J. Waite, (1995). Attitudes, values, and entrance into cohabitational versus marital unions. *Social Forces*, 74.

➤ Cohan, C., & S. Kleinbaum. "Toward a greater understanding of the cohabitation effect: Premarital cohabitation and marital communication.

- Journal of Marriage and the Family, 64, 180– 192.
- Forste, R, & K.Tanfer, (1996). “Sexual exclusivity among dating, cohabiting, and married women” *Journal of Marriage and the Family*, 58, (1996).
  - Heaton, T. B. “Factors contributing to increasing marital stability in the US”, *Journal of Family Issues*, 23, (2002).
  - Kamp Dush, C. M. & et al. “The Relationship Between Cohabitation and Marital Quality and Stability: Change Across Cohorts?”, *Journal of Marriage and Family*, 65, (2003).
  - Khalajabadi Farahani F, J Cleland, AH Mehryar. “Associations between family factors and premarital heterosexual relationships among female college students in Tehran”. *Int Perspect Sex Reprod Health*, 37(1), (2011).
  - Khalajabadi Farahani F & J. Cleland Norms, attitude and sexual conduct of female college students in Tehran; Implications for sexual and reproductive. (health policy and research in Iran [PhD Thesis]. London School of Hygiene and Tropical Medicine), (2008).
  - Kieran, K. (2002). Cohabitation in Western Europe: Trends, issues, and implications. In A. Booth & A. Crouter (Eds.), *Just living together: Implications of cohabitation on families, children, and social policy*, Mahwah, NJ: Erlbaum.
  - Kline, G. H. & et al. “Timing Is Everything: Pre-Engagement Cohabitation and Increased Risk for Poor Marital Outcomes”, *Journal of Family Psychology*, 18(2), (2004).

- Landale, N. S, & R. Forste. "Patterns of entry into marriage and cohabitation among Mainland Puerto Rican women", *Demography*, 28, (1991).
- Mohammad K, & et al, "Sexual Risk-Taking Behaviors among Boys Aged 15–18 Years in Tehran", *Journal of Adolescent Health*, 41, (2007).
- Mohammadi MR & et al, "Parents' Attitudes towards Adolescent Boy's Reproductive Health Needs and Practice in Tehran", *Iran J Psychiatry*, 2, (2007).
- Mohammadi MR, & et al. "Reproductive knowledge, attitudes and behavior among adolescent males in Tehran", *Iran. Int Fam Plan Perspect*; 32, (2006).
- Schoen, R & R. Weinick "Partner choice in marriages and cohabitation". *Journal of Marriage and the Family*, 55, (1993).
- Stanley SM, GK Rhoades & HJ Markman. "Sliding Versus Deciding: Inertia and the Premarital Cohabitation Effect", *Family Relations*, 55, (2006).
- Thomson, E & U. Colella, "Cohabitation and marital stability: Quality or commitment?" *Journal of Marriage and the Family*, 54, (1992).
- <http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/e-t-n-90>